**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 1 آبان 1395**

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین، إنه خیر ناصر و معین، الحمدلله رب العالمین و صلّی الله علی سیّدنا و نبیّنا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی إعدائهم اجمعین من الان إلی قیام یوم الدّین.

**13950801- یکی** **از** **شواهد** **بر** **منهج** **اخذ** **بالتوسط**

بحث ما راجع به نقل شیخ ره در تهذیب از روایت نوفلیّ عن السکونی بود:

النَّوْفَلِیُّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع‏ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِی بَکْرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ کَتَبَ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع یَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ مَجْنُونٍ قَتَلَ رَجُلًا عَمْداً فَجَعَلَ الدِّیَةَ عَلَی قَوْمِهِ وَ جَعَلَ عَمْدَهُ وَ خَطَأَهُ سَوَاءً.[[1]](#footnote-1)

عرض کردیم که این روایت عن نوفلی عن السکونی مستقیما از کتاب نوفلی گرفته نشده بلکه اخذ به توسط در موردش صورت گرفته است. در این مرحله، بنا داریم که متعرض بیان برخی از شواهد دیدگاه اخذ به توسط بشویم. در خود مشیخه فقیه و غیر مشیخه شواهدی وجود دارد که نشان می دهد شیخ طوسی همه روایت هایی را که در تهذیب آورده، مستقیما از کتاب آن کسی که اول سند واقع شده، اخذ نکرده است.

**یکی از شواهد بر منهج اخذ بالتوسط**

اولین شاهد از دقت در شیوه تعبیرات شیخ ره در مشیخه استفاده میشود. **توضیح ذلک**: ایشان پس از ذکر طریق خود به مرحوم کلینی، نام شش تن از مشایخ خود را ذکر کرده و طریق خود به آنها را توضیح میدهد که در همه این شش نفر، آنچه را که شیخ از آنها ذکر کرده، از مرحوم کلینی روایت نموده است. علاوه بر اینکه شیخ در مورد این شش نفر از مشایخ خود، تعبیر "**و ما ذکرته عن**..." را استفاده نموده است:

**علی بن ابراهیم بن هاشم القمی‏**

و ما ذکرته عن علی بن ابراهیم بن هاشم فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم و اخبرنی أیضا بروایاته الشیخ ابو عبد اللّه محمد بن النعمان و الحسین بن عبید اللّه و احمد بن عبدون کلهم عن ابی محمد الحسن بن حمزة العلوی الطبری عن علی بن ابراهیم بن هاشم.[[2]](#footnote-2)

**محمد بن یحیی العطار**

و ما ذکرته عن محمد بن یحیی العطار فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی العطار و اخبرنی به أیضا الحسین بن عبید اللّه ابو الحسین بن ابی جید القمی جمیعا عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه محمد بن یحیی العطار.[[3]](#footnote-3)

**أحمد بن ادریس‏**

و ما ذکرته عن أحمد ابن ادریس فقد رویته بهذا الاسناد عن محمد بن یعقوب عن احمد بن ادریس و اخبرنی به أیضا الشیخ ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان و الحسین بن عبید اللّه جمیعا عن ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری عن احمد بن ادریس.[[4]](#footnote-4)

**الحسین بن محمد بن عامر بن عمران‏**

و ما ذکرته عن الحسین بن محمد فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن الحسین بن محمد.[[5]](#footnote-5)

**محمد بن اسماعیل النیسابوری‏**

و ما ذکرته عن محمد بن اسماعیل فقد رویته بهذا الاسناد عن محمد بن یعقوب عن محمد بن اسماعیل.[[6]](#footnote-6)

**حمید بن زیاد**

و ما ذکرته عن حمید بن زیاد فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد ابن یعقوب عن حمید بن زیاد و اخبرنی به أیضا احمد بن عبدون عن ابی طالب الانباری عن حمید بن زیاد. [[7]](#footnote-7)

**اما** شیخ ره در توضیح طریق خود به نفر بعد، یعنی **احمد بن محمد بن عیسی**، تعبیر دیگری بکار می برد و فرماید: **و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی...**

**احمد بن محمد بن عیسی‏**

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی.[[8]](#footnote-8)

مرحوم شیخ ره همین تعبیر **و من جملة ما ذکرته** را در چند مورد دیگر نیز درباره احمد بن محمد بن عیسی بکار برده است:

یک جا در ذیل **محمد بن علی بن محبوب** آورده یعنی اول طریق محمد بن علی بن محبوب را ذکر میکند سپس در ذیل آن می گوید:

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذا الاسناد عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد.[[9]](#footnote-9)

مورد دیگر را در ذیل **صفار** آورده است:

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد ما رویته بهذا الاسناد عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد.[[10]](#footnote-10)

 مورد بعدی در ذیل **سعد بن عبد الله** آمده است:

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد ما رویته بهذا الاسناد عن سعد بن عبد اللّه عن احمد بن محمد.[[11]](#footnote-11)

اما در جای دیگر مشیخة در توضیح طریق خود به احمد بن محمد بن عیسی از تعبیر استفاده میکند:

و ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی الذی اخذته من نوادره فقد اخبرنی به الشیخ ابو عبد اللّه و الحسین بن عبید اللّه و احمد بن عبدون کلهم عن الحسن بن حمزة العلوی و محمد بن الحسین البزوفری جمیعا عن احمد بن ادریس عن احمد بن.[[12]](#footnote-12)

چرا در مورد اخیر از تعبیر **و ما ذکرته** استفاده کرده است ولی در سایر موارد تعبیر **و من جملة ما ذکرته** را بکار می برد؟

این اختلاف تعابیر ناظر به همین بحث اخذ به توسط است. شیخ ره با تعبیر **و ما ذکرته** در صدد بیان این مطلب است که روایات احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر را مستقیم و بدون واسطه از این کتاب گرفته است ولی در سایر مواردی که تعبیر به **و من جملة ما ذکرته** می کند این مطلب را می فهماند که یک سری از روایاتی را که از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کند احادیثی است که آنها را مستقیما از کتاب او اخذ نکرده. بلکه آن روایات را از کتب مشایخ دیگری که آنها از احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده اند، روایت می کند همانند کتاب کلینی، محمد بن علی بن محبوب، صفار و سعد بن عبد الله. بنابراین شیخ با چنین تعبیراتی در صدد تفهیم این مطلب است که گرچه نام احمد بن محمد بن عیسی در ابتدای سند بسیاری از روایات تهذیب واقع شده است ولی این بدان معنی نیست که همه آن روایات مستقیما از کتاب او اخذ شده، بلکه نقل برخی از آنها به توسط منابع و کتب دیگر بوده است.

**روایت النوفلیّ عن السکونی از موارد اخذ بالتوسط است**

بحث ما در باره روایت **نوفلی عن السکونی** هم از مصادیق منهج اخذ بالتوسط است. یعنی از مواردی است که شیخ ره با واسطه کتاب های دیگر از نوقلی اخذ روایت کرده است. در جلسه قبل شواهدی را هم برای اثبات این مدعا بیان کردیم. اجمال مطلب این بود که به غیر از چهارده مورد در کتاب الدیات و دو مورد در باب زیادات کتاب الحج، در هیچ یک از کتاب های تهذیب نام نوفلی اول سند واقع نشده است.

و دقیقا این دو موضع، یعنی کتاب الزیادات باب الحج و کتاب الدیات، جایی است که در آن اخذ به توسط بسیار زیاد واقع شده است. شاید بتوان گفت حدود هشتاد درصد و بلکه نود درصد روایاتی که در باب الدیات از

کافی اخذ کرده، در سند آنها نامی از کلینی ذکر نکرده است. ولی قرائن کاملا نشانگر این است که شیخ روایات را از کافی اخذ نموده است.

فلذا این بحث مطرح می شود که آیا این کاملا تصادفی است که آن روایات **نوفلی عن السکونی** فقط در موضعی از کتاب ذکر شود که در آن موضع، بحث اخذ به توسط بسیار زیاد رخ داده است؟ به نظر می رسد که این دو عامل یعنی کثرت وقوع اخذ بالتوسط در کتاب الدیات و همچنین کثرت وقوع نوفلی عن السکونی در آغاز سند چندین روایت، با یکدیگر مرتبط هستند و می توان نتیجه گرفت که در روایاتی که سند آن، بدء به نوفلی شده، اخذ به توسط انجام گرفته است.

**بررسی ضابطه اخذ بالتوسط**

بحث بعدی این است که ایا أخذ بالتوسط با یک قانون و یک روش مشخصی انجام شده یا اینکه بی ضابطه بوده است و شیخ ره هر کسی را که می خواست از سند حذف می کرد؟ مثلا سند روایت کافی بدین صورت است: عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی تا آخر. شیخ به کافی مراجعه کرده و این روایت را أخذ میکند و در تهذیب احمد بن محمد بن عیسی را در ابتدای سند قرار می دهد و نام و طریق کلینی به احمد بن محمد بن عیسی را حذف می کند. حال سوال اینجاست که در چه مواردی ایشان با حذف قسمتی از سند مصدر و نام مؤلف مصدر، اخذ به توسط کرده است؟

**حذف طریق متکرر مشهور**

ادعای ما این است که شیخ طوسی تنها در مواردی نام مصدر و قسمتی از سند مصدر را حذف می کند که طریق، طریق متکرر و مشهوری باشد. و خود همین متکرر مشهور بودن نشانگر صحت و اعتبار آن سند است. بنابراین ادعای ما در مورد یک قانون عامی است که در صورت اثبات آن، جمیع طرقی را که در آنها اخذ به توسط صورت گرفته – منجمله روایت نوفلی عن السکونی - معتبر می کند. و اهمیت این بحث زمانی آشکار میشود که بدانیم اعتبار حدود نود درصد روایت های کتاب الدیات تهذیب به اثبات این قانون عام وابسته است.

بنده جمیع موارد اخذ به توسطی که ایشان در مشیخه به آن تصریح کرده جمع آوری نمودم. در برخی از موارد اخذ به توسط، فقط اسم مؤلف حذف شده و خود سند به صورت کامل آمده است. همچنانکه در ابتدای بحث نیز اشاره کردیم، شیخ ره در مشیخة پس از ذکر طریق خود به مرحوم کلینی، نام شش نفر از اساتید خود را ذکر میکند که روایت های آنها را از کافی اخذ نموده و در تهذیب نام آنها را در ابتدای سند ذکر می کند.

این افراد مورد بحث ما نیستند. مورد بحث ما کسانی هستند که علاوه بر نام مؤلف مصدر، قسمت دیگری از سند نیز حذف شده است. [[13]](#footnote-13)

**مواردی که شیخ در مشیخة بر حذف سند تصریح میکند**

یکی از موارد اخذ بالتوسط، مواضعی است که شیخ در مشیخة تعبیر به **من جمله ما ذکرته** می اورد.

**مورد اول** آن در ذیل طریق کلینی و در مورد احمد بن محمد بن عیسی است:

**و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی.**[[14]](#footnote-14)

که عدة من اصحابنا حذف شده است.

**مورد دوم** هم ذیل کلینی و در مورد احمد بن محمد بن خالد است:

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن خالد ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد.[[15]](#footnote-15)

در این مورد هم عدة من اصحابنا حذف شده است.

**مورد سوم** در مورد فضل بن شاذان می باشد:

و من جملة ما ذکرته عن الفضل بن شاذان ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان.[[16]](#footnote-16)

البته ایشان یک اشتباهی اینجا مرتکب شده است و آن اشتباه هم مؤید عرض ما هست. یک سند متکرری در کافی وجود دارد که بدین صورت است: **علی بن ابراهیم عن أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر**. در نگاه بدوی ممکن است اشخاص خیال کنند که **علی بن ابراهیم** این سند را از دو نفر نقل می کند: یکی از پدرش و دیگری از محمد بن اسماعیل و این دو نفر از فضل بن شاذان نقل می کنند. بنابراین استاد علی بن ابراهیم دو نفر هستند و شاگرد فضل بن شاذان هم دو نفر هستند. و فضل بن شاذان هم از ابن ابی عمیر نقل می کند.

ولی این تصور، تصور نادرستی است. سند صحیح این روایت بدین نحو است که **علی بن ابراهیم عن أبیه** یک طریق می باشد و **محمد بن اسماعیل** عطف به صدر سند می شود یعنی کلینی مستقیما از **محمد بن اسماعیل** نقل می کند. بنابراین سند اول محمد بن یعقوب، **علی بن ابراهیم عن أبیه** است سپس سند دوم را از **محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان** نقل می کند. آخر سند اول یعنی **أبیه** و آخر سند دوم یعنی **فضل بن شاذان** از **ابن ابی عمیر** نقل می کنند فلذا خیلی از اوقات برای اینکه به این دو طریق تصریح شود، کلمه **جمیعا** هم بعد از کلمه فضل بن شاذان اضافه شده است.

مرحوم شیخ طوسی غالبا طریق را درست فهمیده ولی در در این قسمت از مشیخه اشتباه کرده است. یعنی اینگونه تصور کرده که **علی بن ابراهیم و أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان**، همه اینها طریق به فضل بن شاذان هستند. **علی بن ابراهیم** را به اشتباه راوی از این دو نفر(**أبیه و محمد بن اسماعیل**) فرض کرده و این دو نفر را راوی از فضل بن شاذان فرض نموده است. و از انجا که این طریق، طریق متکرری بوده و شیخ می خواسته طریق متکرر به فضل بن شاذان را حذف کند، در اثر این اشتباهی که برای ایشان رخ داده، **محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان** را که طریق دوم بوده به طور کامل حذف کرده است. و این نشانگر این جور توجه دارد که این کل یک طریق جدید است و در طریق علی بن ابراهیم واقع نیست.

**مورد چهارم** در مورد حسن بن محبوب است:

و من جملة ما ذکرته عن الحسن بن محبوب ما رویته بهذه الاسانید عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن الحسن بن محبوب.[[17]](#footnote-17)

**مورد پنجم** در مورد سهل بن زیاد است:

و ما ذکرته عن سهل بن زیاد فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا منهم علی بن محمد و غیره عن سهل بن زیاد.[[18]](#footnote-18)

البته طبق این عبارت، کأن مرحوم شیخ ره همه روایات سهل بن زیاد را از کافی گرفته است. و تقریبا هم به همین صورت است یعنی مواردی که سهل بن زیاد در ابتدای سند واقع شده و اخذ به توسط در روایت او از غیر کافی بوده است شاید در کل تهذیب بیش از سه یا چهار مورد نباشد.

**مورد ششم** در ذیل محمد بن علی بن محبوب است:

و من جملة ما رویته عن الحسین بن سعید و الحسن بن محبوب ما رویته بهذا الاسناد عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد عنهما جمیعا.[[19]](#footnote-19)

که محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد عنهما یک طریق معروف است.

**مورد هفتم و هشتم**: در مورد احمد بن محمد می باشد:

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد ما رویته بهذا الاسناد عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد.[[20]](#footnote-20)

و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد ما رویته بهذا الاسناد عن سعد بن عبد اللّه عن احمد بن محمد.[[21]](#footnote-21)

همه این هشت طریقی که ایشان به عنوان طریق ذیلی و با حذف سند ذکر میکند، طرق معروف و مشهور و شناخته شده است. فلذا این مطلب اصلا تصادفی نیست که ایشان فقط طرق مشهور و معروف را به عنوان سند ذیلی و محذوف ذکر می کند.

**شاهد دوم بر منهج اخذ بالتوسط**

راه دوم که راه مهم تری هست و ادعای ما را بهتر اثبات میکند، مشاهده روایاتی است که قرینه نشان می دهد شیخ ره آن روایات را از کافی گرفته است. این مطلب خیلی واضح است که حجم زیادی از کتاب الدیات تهذیب از کافی اخذ شده که در برخی از آنها نام کلینی به همراه طریق وی حذف گردیده است.

منتها شیخ ره در کتاب الدیات تنها در چهار مورد اسم کلینی را آورده است و آن چهار مورد هم مشایخ نسبتا غیر معروف کلینی هستند. دو مورد از **احمد بن محمد بن کوفی** است. و یک مورد هم **علی بن ابراهیم** می باشد. البته علی بن ابراهیم در یک سند خاصی واقع شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُخْتَارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَلَوِیِّ جَمِیعاً عَنِ الْفَتْحِ بْنِ یَزِیدَ الْجُرْجَانِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ ع‏....[[22]](#footnote-22)

 این سند، سند تحویلی است. علی بن ابراهیم عن المختار بن محمد بن المختار عن الفتح بن یزید الجرجانی یک سند است. محمد بن الحسن عن عبد الله بن الحسن العلوی عن الفتح بن یزید الجرجانی سند دوم است. یک مورد هم **حسین بن محمد عن معلی بن محمد** هست که جزو مشایخ نسبتا غیر معروف کلینی به شمار می رود.

در یکسری از موارد فقط نام کلینی را حذف کرده است که فعلا وارد بحث آن نمی شویم. علاوه بر این، مواردی هم وجود دارد که علاوه بر نام کلینی، قسمتی از سند کافی را نیز حذف نموده است.

بیشترین حذف در این مورد اخیر، به **محمد بن یحیی** که از **احمد بن محمد بن عیسی** نقل روایت میکند**،** اختصاص یافته است. **محمد بن یحیی** طریق عمده کلینی به **احمد بن محمد بن عیسی** است. در 44 مورد **محمد بن یحیی** را حذف کرده است. در 25 مورد **محمد بن یحیی عن احمد بن محمد** یا **احمد بن محمد بن عیسی** را حذف کرده است. در 20 مورد **عده من اصحابنا** را حذف نموده مربوط به **سهل بن زیاد** می باشد که این مورد از همان مواردی می باشد که در مشیخه به آن تصریح کرده است. در 11 مورد **علی بن ابراهیم عن أبیه** را حذف کرده است. در 9 مورد **عده من اصحابنا عن احمد بن ابی عبد الله** را حذف کرده که این هم از مواردی است که در مشیخه بدان تصریح شده است. در 5 مورد **علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی** را حذف کرده است که این مربوط به اسناد **یونس** است. در 4 مورد **عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد** را حذف نموده که علی ما ببالی، طریق **حسن بن محبوب** می باشد. در 4 مورد **دیگر عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد و علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن محبوب** را حذف کرده است.

یک مورد **عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد** را حذف کرده و یک مورد **حمید بن زیاد** را حذف نموده است. تنها یک مورد وجود دارد که علیرغم غیر معروف بودن، حذف سند در آن رخ داده که آن هم به احتمال زیاد از کافی أخذ شده است. این موارد را ملاحظه بفرمایید من فردا آن یک مورد را هم عرض می کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. . تهذیب الاحکام، ج10 ص 232 ح916-49 [↑](#footnote-ref-1)
2. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص29 [↑](#footnote-ref-2)
3. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص32 [↑](#footnote-ref-3)
4. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص34 [↑](#footnote-ref-4)
5. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص35 [↑](#footnote-ref-5)
6. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص37 [↑](#footnote-ref-6)
7. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص38 [↑](#footnote-ref-7)
8. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص42 [↑](#footnote-ref-8)
9. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص72 [↑](#footnote-ref-9)
10. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص73 [↑](#footnote-ref-10)
11. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص74 [↑](#footnote-ref-11)
12. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص74 [↑](#footnote-ref-12)
13. . کلام استاد در پاسخ به یک سوال: منهج شیخ در اخذ بالتوسط و حذف قسمتی از اسناد، اصلا نقص محسوب نمی شود. اتفاقا این شیوه یکی از شواهد بسیار قوی برای آن نکته ای است که ما بارها روی آن تکیه کردیم و آن اجازه ای و تشریفاتی بودن این طرق هست. [↑](#footnote-ref-13)
14. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص42 [↑](#footnote-ref-14)
15. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص 44 [↑](#footnote-ref-15)
16. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص47 [↑](#footnote-ref-16)
17. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص 52 [↑](#footnote-ref-17)
18. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص 54 [↑](#footnote-ref-18)
19. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص 73 [↑](#footnote-ref-19)
20. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص 73 [↑](#footnote-ref-20)
21. . تهذیب الاحکام، المشیخة، ص 74 [↑](#footnote-ref-21)
22. . تهذیب الاحکام، ج10 ص 192 ح758-55 [↑](#footnote-ref-22)